

جلوه های هدایت در سیره و سخن امام حسن عسکری

<?xml encoding="UTF-8">

امام حسن عسکری علیه السلام یازدهمین ستاره هدایتی است که در آسمان امامت درخشید و هدایت عملی مردم را عهده دار شد. از اینرو در کنار القاب متعدد آن حضرت که هر یک گویای بعدی از شخصیت عظیم اوست، مانند: عسکری، رفیق، زکی، فاضل، امین، میمون، نقی، طاهر، مؤمن بالله، صادق، صامت، امین علی سر الله، علام، ولی الله، سراج اهل الجنة، خزانه الوصیین، (1) مضی، شافی، مرضی، خالص، خاص، تقی، شفیع، سخی، موفی و مستودع (2)، ما با القابی چون: ناطق عن الله (3)، مرشد الی الله (4)، هادی و مهتدی (5) نیز رو به رو می شویم که گویای همان وظیفه اصلی امامت (تداوم هدایتگری بشریت) است.

در این مقاله برگه‌هایی از کارنامه هدایتگری حضرت را مرور می کنیم. تفاوت اساسی ائمه و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در چگونگی هدایتگری و انجام رسالت قرآنی، به موضوع حاکمیت برمی گردد. ائمه به دلیل نداشتن حاکمیت با مشکلات بسیاری رویارو بودند. از این رو، وظیفه هدایتگری را با ابزارها و شیوه های بسیار متنوعی که متناسب با شرایط عصر و زمان بود، به پیش می بردند. ناآرامی های داخلی در کنار اختناق، ویژگی عمده عصر امام عسکری است و آن حضرت در یکی از سخت ترین شرائط پیش آمده برای سلسله امامت، به هدایت امت می پرداخت.

جلوه های هدایت در سیره و سخن امام عسکری علیه السلام

1. هدایت با رفتار و کردار

کارآمدترین ابزار تاثیر در هدایت، رفتار و کردار هدایتگران است. این سخن از امام صادق علیه السلام را به یاد آوریم که «کونوا دعاة للناس بغير السنتکم؛ (6) مردم را با غیر زبان خود دعوت کنید.» و هر چه ایمان و عمل قوی تر شود، تاثیر پذیری مخاطبان فزون تر خواهد گشت و هر چه از میزان هماهنگی بین عمل هدایتگران و سخنان آنان کاسته شود، تاثیرپذیری مخاطبان نیز کاهش می یابد؛ لذا امام علی علیه السلام می فرمود: «ان الوعظ الذی لایمجه سمع ولا یعدله نفع ما سکت عنه لسان القول ونطق به لسان الفعل؛ (7) اندرزی که هیچ گوشی آن را ناخوش ندارد و هیچ سودی با آن برابری نکند، اندرزی است که زبان گفتار در مورد آن ساکت و زبان رفتار به آن گویا باشد.» درخشنده ترین جلوه هدایت در سیره امام حسن عسکری علیه السلام نیز مربوط به همین نوع هدایت است.

شیخ مفید به نقل از محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن موسی بن جعفر می نویسد: زمانی که ابومحمد صلی الله علیه و آله زندانی بود، عباسیان نزد صالح بن وصیف آمدند و گفتند بر او سخت بگیر! صالح گفت: چگونه چنین کنم! من دو نفر از بدترین انسانها را که می شناختم، مامور او کردم، ولی آن دو حالا به عبادت و روزه روی آورده اند و در حدی عالی به آن پایبندند. صالح دستور داد آن دو را حاضر کنند و آن گاه پرسید: وای بر شما! چرا با این مرد چنین مهربانانه رفتار می کنید؟! گفتند: درباره مردی که روزها را روزه می گیرد و تمام شب را به عبادت می گذراند!

او ساکت است و عبادت می کند و هر لحظه به او می نگریم، لرزه به اندامان می افتد . عباسیان وقتی این

سخنان را شنیدند، ناامید شدند و بازگشتند . (8)

باشکوه ترین جلوه هدایت از طریق رفتار عملی را به نقل از شیخ کلینی رحمه الله بشنویم که می گوید: «ابومحمد علیه السلام نزد علی بن نرماش که از کینه توزترین مردم نسبت به خاندان ابوطالب بود، زندانی شد . به او گفتند: با او [امام] سخت گیر باش! امام تنها یک روز نزد او بود که علی بن نرماش تسلیم حضرت شد و چون تحت تاثیر امام بود، به چهره حضرت نمی نگریست . وی در حالی از نزد امام بیرون رفت که با بصیرت ترین مردم بود و بیش از دیگران به عظمت و فضائل امام پی برده بود .» (9)

2 . استفاده از شیوه نامحسوس

امام حسن عسکری علیه السلام به دلیل خفقان عصر، از شیوه های نامحسوس و پنهان بیشتر سود می برد و امور امت را مخفیانه اداره می کرد . گاه پیش می آمد که بعد از سالها مردم و خلفا متوجه هدایت شدن مسیحیان و ... می شدند . (10) زمانی به بازسازی روحی و اعتقادی هدایتگران شیعی می پرداخت و در مواقعی هم به کنترل و رفع نواقص کار آنان مشغول می شد .

محمد بن ربیع شائی می گفت: با یکی از ثنویها (11) در اهواز به بحث و مناظره پرداختم؛ در حالی که تا حدودی تحت تاثیر سخنان آن شخص قرار گرفته بودم به سر من رای (سامرا) رفتم . در خانه احمد بن خصیب نشسته بودم که امام ابومحمد علیه السلام را دیدم که از حضور در جمع مردم به خانه اش باز می گشت . وقتی به نزدیکی من رسید، نگاهی به من کرد و با انگشت سبابه اش اشاره فرمود: احد، احد، فرد . (12)

3 . استفاده از ظرفیتهای امامت

امام حسن عسکری علیه السلام از کرامت هم برای هدایت بهره می برد و به شیوه های گوناگون در تصحیح عقاید و هدایت امت می کوشید . علامه مجلسی از ادريس بن زیاد نقل می کند: درباره آنان (ائمه) خیلی تندروی می کردم . روزی برای دیدار ابومحمد علیه السلام روانه سامرا شدم و از شدت خستگی بر پلکان حمامی به خواب فرو رفتم . با ضربه عصای مخصوص ابومحمد علیه السلام بیدار شدم . ایشان را شناختم و بلند شدم . امام سوار بود و غلامان پیرامونش را گرفته بودند . پشت پا و زانوی حضرت را بوسیدم و این نخستین برخورد من با ایشان بود . به من فرمود: ای ادريس! «بل عباد مکرمون لایسبقونه بالقول وهم بامرہ یعملون» ؛ (13) «بلکه آنان (فرشتگان) بندگان گرامی داشته شده اند و در گفتار بر او سبقت نمی گیرند و به فرمان وی عمل می کنند .» عرض کردم: مولای من، همین مطلب مرا بس است و تنها برای پرسیدن آن آمده بودم . (14)

4 . پاسخ به شبهات

از دیگر جلوه های هدایت امام می توان به پاسخ گویی حضرت به پرسشها و شبهات پیرامون اعتقادات و مسائل دینی اشاره کرد . آن حضرت از این طریق پاسدار دین در برابر شبهات بود و گوهر بی غبار دین را در اختیار امت جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار می داد . ابوهاشم جعفری می گوید که از امام پرسیدم: چرا ارث زن یک سهم و مرد دو سهم است؟ فرمود: چون جهاد و پرداخت مخارج به عهده زن نیست و نیز پرداخت دیه قتل خطا بر عهده مردان است و چیزی بر زن نیست . (15)

همین طور در نامه ای به اسحاق بن اسماعیل نیشابوری (از یاران حضرت) به شبهاتی پیرامون واجبات مالی (مانند خمس و زکات . .). پاسخ می دهد و می نویسد:

«به راستی که خدا از منت و رحمتش، واجباتی را بر شما مقرر کرد، نه به خاطر نیازی که به آنها داشت، بلکه به جهت محبت به شما - که جز او شایسته پرستش نیست - تا بد را از خوب جدا کند و آنچه را در دل دارید، بیازماید و برای رسیدن به رحمت خدا بر همه سبقت گیرید و مایه تفاضل مقامهای بهشتی شما شود، لذا حج و عمره و اقامه نماز و پرداخت زکات و انجام روزه و پایبندی به ولایت را بر شما مقرر داشته است . برای فهمیدن فرائض دری را به سوی شما گشوده است و کلیدی برای رسیدن به آنها قرار داده است . اگر محمد صلی الله علیه و آله و اوصیای از فرزندانش نبودند، شما سرگردان می شدید و همچون حیوانات هیچ یک از واجبات را نمی دانستید . آیا برای ورود به شهر راهی جز دروازه وجود دارد؟ پس وقتی خدا بر شما با نصب امامان - پس از پیامبر - منت نهاد، در کتاب بزرگ خود فرمود: «الیوم اکملت لکم دینکم واتممت علیکم نعمتی ورضیت لکم الاسلام دینا» (16) ، او همچنین برای اولیای خود بر شما حقوقی مقرر داشته که شما را مأمور به ادای آن فرموده است تا آنچه از همسر و اموال و خوردنی و آشامیدنی دارید، بر شما حلال باشد . خدا فرموده است: «قل لااسئلكم علیه اجرا الا المودة فی القربی» (17) و بدانید هر که بخل ورزد، به خود بخل ورزیده است و خدا بی نیاز است و شما نیازمندید ...» (18)

5 . افشاگری برای حفظ دین

از فتنه هایی که در عصر معتمد پیش آمد و کیان مسلمین را در خطر قرار داد، موضوع جاثلیق مسیحی بیش از همه مورد توجه بود؛ به گونه ای که اسلام را در آستانه تزلزل قرار داد و اگر نبود افشاگری امام حسن علیه السلام، خطری بزرگ دین اسلام را به ورطه ذلت می کشاند . امام با اینکه مظلوم واقع شده و خلافت از وی دریغ شده و در اختیار عباسیان بود، برای حفظ دین قیام کرد و چراغ هدایت را روشن نگاه داشت . ابن صباغ مالکی آورده است که ابوهاشم گفت: زندانی شدن ابومحمد علیه السلام چندان نپایید که مردم سر من رای (سامرا) دچار قحطی شدیدی شدند . معتمد علی الله، پسر متوکل، دستور داد مردم برای طلب باران از شهر بیرون روند . مردم سه روز طلب باران کردند، اما باران نیامد . روز چهارم جاثلیق مسیحی همراه مسیحیان و راهبان به صحرا رفت . راهبی میان آنان بود که هر گاه دست به آسمان می گشود، باران سیل آسا می بارید . روز دوم هم به همین منظور بیرون رفتند و باران فراوانی بارید؛ چنان که مردم سیراب شدند و درخواست کردند باران قطع شود . این ماجرا موجب شگفتی و تردید مسلمانان شد و گروهی به مسیحیت متمایل شدند . خلیفه شخصی را نزد صالح بن وصیف فرستاد و گفت: ابومحمد حسن بن علی را از زندان آزاد کن و او را نزد من بیاور . وقتی امام آمد، خلیفه گفت: امت محمد علیه السلام را از این هلاکت و بدبختی رها کن . امام فرمود: به آنها بگو فردا هم از شهر بیرون روند . خلیفه گفت: وقتی مردم از باران بی نیاز شده اند، برای چه بیرون بروند؟ فرمود: برای اینکه شک را از آنان بزدایم و از ورطه ای که در آن گرفتار آمده و با آن عقل و اندیشه ساده لوحان را به تباهی کشیده اند رها سازم . به این ترتیب، روز بعد هم آنان بیرون رفتند و امام با جمعیتی انبوه از مسلمانان نیز از شهر خارج شد . نصارا طبق معمول درخواست باران کردند و آن راهب دستهایش را به آسمان بلند کرد و نصارا و راهبان نیز دست به دعا برداشتند . همان زمان ابری پیدا شد و باران آمد . امام دستور داد دست راهب را بگیرند و آنچه در دست دارد، خارج سازند . وقتی چنین کردند، دیدند استخوانی میان انگشتان اوست . آن را گرفتند و نزد امام آوردند .

حضرت آن را در پارچه ای پیچید و به راهب فرمود: حالا درخواست باران کن . او درخواست کرد، اما باران نیامد . بلکه ابرها هم کنار رفت و خورشید پیدا شد . مردم شگفت زده شدند و خلیفه از امام علت آن را پرسید، فرمود: در دست او قطعه ای از استخوان یکی از پیامبران خدا بود که از قبور انبیا به دست آورده اند . هرگاه استخوان پیامبری زیر آسمان ظاهر شود، باران سیل آسا می بارد . مردم با گفتار امام آرام شدند و دلهاشان مطمئن شد . (19)

6 . یادآوری سنتهای متروک

از دیگر شیوه های هدایت در سیره امام عسکری علیه السلام، بیان سنتهای متروک بود . آن حضرت با این شیوه، غبار غربت از احکام و فرائض الهی می زدود و آنها را بار دیگر به صحنه اجتماع می کشاند، شیوه ای که در هر عصر و دوره ای هدایتگران الهی، موظف به پیگیری آن هستند . امام عسکری علیه السلام در حضور جمعی هفتاد نفری از زائران کربلا که به مناسبت تولد حضرت حجت به سامرا و خانه حضرت آمده بودند، بی آنکه آنان بپرسند، فرمود: برخی از شما می خواهند درباره اختلاف بین شما و دشمنان خدا و ما که اهل قبله و مسلمان هستند، بپرسند . از این رو، شما را در جریان آن اختلافها قرار می دهم و شما دقت کرده و بدان پی ببرید . گفتند: آری ای مولا! به خدا سوگند در نظر داشتیم همین مطلب را بپرسیم . فرمود: خدای عزوجل به رسولش وحی فرمود: تو و علی و فرزندان او را که حجت‌های من هستند و پیروان آنها را، به ده ویژگی اختصاص دادم:

- 1 . پنجاه و یک رکعت نماز؛ 2 . انگشتی به دست راست کردن؛ 3 . تعقیب بعد از نماز؛ 4 . اذان و اقامه را دو تا دو تا گفتن؛ 5 . گفتن حی علی خیرالعمل؛ 6 . بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحیم؛ 7 . قنوت در نماز؛ 8 . خواندن نماز عصر هنگام آفتاب روشن و صاف (وسط روز)؛ 9 . خواندن نماز صبح هنگام دمیدن سپیده که هوا هنوز تاریک است؛ 10 . خضاب کردن موی سر و صورت .

آن مرد که حق ما را غصب کرد، با گروه خود در نماز با ما به مخالفت پرداختند و عوض پنجاه و یک رکعت نماز در هر شبانه روز، نماز تراویح را در شبهای ماه رمضان قرار دادند و به جای تعقیب بعد از نماز، دست بر سینه گذاشتن را تشریع کردند و عوض انگشت به دست راست کردن، آن را به دست چپ کردند . در اذان و اقامه عوض دو بار گفتن فقرات اقامه، فقط اقامه فرادا را انتخاب کردند و به جای «حی علی خیر العمل» ، الصلوة خیر من النوم گفتند . عوض بلند گفتن «بسم الله الرحمن الرحیم» ، آن را آهسته گفتند و قنوت را حذف کردند . نماز عصر را به خلاف زمانی که هوا آفتابی و روشن و صاف است، هنگام زردی خواندند و نماز صبح را به جای سپیده صبح و تاریکی هوا، هنگام ناپدید شدن ستارگان خواندند و به جای خضاب کردن موی سر و صورت آن را رها کردند . بیشتر حاضران گفتند: ای سرور! شما غم و اندوه ما را برطرف ساختید . (20)

بعد از آن هم امام سنتهای متروک دیگری را یادآور شد و به بدعت‌های جایگزین اشاره کرد . که از جمله آنها، گفتن چهار تکبیر در نماز میت به جای پنج تکبیر بود .

ادامه دارد ...

پی نوشت ها :

- (2) این القاب ریشه روایی ندارند و در کتب تراجم و رجال و تاریخ به تناسب به آن حضرت اطلاق شده اند . همان، ص 34 .
- (3) بحارالانوار، ج 36، ص 312 .
- (4) همان، ص 348 .
- (5) دلائل الامامة، ص 223 (این دو لقب ریشه روایی ندارد) .
- (6) الکافی، ج 2، ص 78 .
- (7) غررالحکم و درر الکلم، ح 4560 .
- (8) ارشاد، ص 344؛ اثبات الهداة، ج 3، ص 406؛ بحارالانوار، ج 50، ص 308 .
- (9) الکافی، ج 1، ص 508؛ اثبات الهداة، ج 3، ص 402 .
- (10) سفينة البحار، ج 1، ص 260؛ حلیة الابرار، ج 2، ص 498 .
- (11) دوگانه پرست (نور و ظلمت) .
- (12) الکافی، ج 1، ص 511، ح 20؛ خرائج، ج 1، ص 445 .
- (13) انبیاء/26 .
- (14) بحارالانوار، ج 50، ص 283؛ مناقب آل ابی طالب، ج 4، ص 428 .
- (15) پیشوای یازدهم، ص 24، نقل از اعلام الوری، نجف، ص 274 .
- (16) مائده/3 .
- (17) شوری/23 .
- (18) تحف العقول، ص 485 .
- (19) الفصول المهمة، ص 268؛ صواعق المحرقة، ص 207؛ مناقب آل ابی طالب، ج 4، ص 425 (به اشتباه متوکل ذکر شده است) ؛ کشف الغمه، ج 3، ص 219 (با تفاوت) .
- (20) هدایة الکبری، ص 344 .